

اینجاست که حسن سلیقهٔ شاعر بایستی هنرنمایی کند

شاعر ماهر آنست که برای معانی خوب الفاظ خوب انتخاب کند منشی لایق کسی است افکار خوب خود را با کلمات دلپذیرتری بر روی صفحه کاغذ مرتسم نماید گاهی توجه بمعنی بحدی شاعر را میفریبد که از انتخاب پیکر خوبی برای معنی خوب غافل میشود و برعکس گاهی خوبی و خوشکلی لفظ باندازه چشم و گوش شاعر را گرفته که از تطبیق آن با معنی باز میدارد

اینجاست که انجمن ادبی لازم میشود

وقتی که شاعر یا اثر نویس شعر یا اثر خود را در مقابل افکار و آراء جمعی از دانشمندان عرضه داشته و سخن خود را در معرض تنقید گذاشت اعضاء انجمن بیغرضانه در مقام انتقاد برآمده محسنات یا معایب شعر یا اثر شاعر یا مترسل را صرافی کرده و با خواهند گفت.

شاعری که خود صراف سخن خویش است شعرش خالی از اعتراض نیست نویسنده یا منشی که کلام خود را در معرض تنقید نمیگذارد کمتر اتفاق میافتد که سخنش مقبولت تامه پیدا کند پس:

انجمن ادبی صراف سخن و کار او صرافی سخنان موزون یا منشور است  
(آزاد همدانی عضو انجمن ادبی همدان و کاشان)

## با استقبال غزل آقای حایری

مندرج در شماره ۷ مجله ارمغان سال دهم

هر چند خصم بیند افتاده و اسیرم	شادم که دوست داند فرمانده و امیرم
یکچند مصلحت راست کاینگونه سر بزیرم	سر بر فلک نسایم در اوج عزت نفس
هنکام عفو و بخشش بذال و سهل گیرم	بطاش سخت گیرم در موقع درشتی
از چله حوادث در زیر میخ تیرم	با این قد کمائی عریان و دست بسته

روباه خصم بیند در حمله شرزه شیرم  
 ورا آشنا کمالی دارد بر آن بصیرم  
 گریکدمست بیدوست از عمر خویش سیر  
 من با همه تحمل از ناله ناگزیرم  
 عشق تو در سویدا مهر تو در ضمیرم  
 آزاد اگر دو عالم میرند من نمیروم

در گردنم قلاده است اما نه در کف خصم  
 بر عیب دشمنانم بینا و برده پوشم  
 عمر ابد اگر چند بادوست کم نماید  
 هر کس که دیده رویت داند که در فراغت  
 نام تو بر زبانم یاد تو در نهادم  
 تازنده است نامم در خیل چاکرانم



نی همین در دلبائی نرگس غماز دارد  
 شکوه زاندارم که حد نیست نارشرا و گونه  
 قمر و ثروت عز و ذلت لطف و قهرت هر چه باشد  
 نیست همرازی که باوی راز عشقت فاش گویم  
 چون شود از حبس تن آزاد جانا مرغ جانم  
 کز فنون دلبری صد شیوه ممتاز دارد  
 بی تناوت بیش و کم هر ناز نینی ناز دارد  
 نیست چیزی کز توای آرام جانم باز دارد  
 ایخوش آن بیدل که پیر راز خود همراز دارد  
 تا ابد گرد درو بام شما پرواز دارد  
 (آزاد همدانی عضو انجمن ادبی همدان و کاشان)

## آثار و عصارین

بیا که خانه دل باز رو بویرانی است  
 شرابخواهر و معشوق گرچه پیر شدم  
 به پیر میکده گفتار که توبه می شکدم  
 خوشست عمر و لیکن بشرط کیفیت  
 گر این عقیده ز استاد بوعلی سینا است  
 خلاف گفت محدث ز قول جالینوس  
 که زندگانی بی عیش مرگ طولانی است  
 ملامت مکنید انس رسم انسانی است  
 خلاف عهد متین دور از مسلمانی است  
 که خواستار کمیت قرین نادانی است  
 به تربتش که خداوند ملک عرفانی است  
 که زندگانی ناقص امرک رجحانی است  
 کجا حکیم مقید بهیکل فانی است  
 که زندگانی بی عیش مرگ طولانی است